

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)

اسرافیل جاویدی^۱، دکتر حبیب احمدی^۲ و دکتر ماهرخ رجیبی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۱

چکیده:

شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل جوانان و بزرگسالان به خصوص در بعد هویتی؛ بطور وسیع‌تری در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به نحوی که هویت، احساس تعلق خاطر به فرهنگ، ارزش و فرهنگ بومی در نسل‌ها که موجبات همبستگی اجتماعی یک جامعه را مهیا می‌سازد سبب تفاوت، تعارض فرهنگی و هویتی می‌گردد. تحقیق حاضر در همین راستا و با هدف مطالعه و بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی انجام شده است. تحقیق به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. کلیه دانشجویانی که در دانشگاه شیراز در مقطع کارشناسی و بالاتر در نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ در شهر شیراز مشغول به تحصیل بوده‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند که تعداد کل این دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ برابر با ۱۰۱۳ بوده است. نمونه‌گیری در تحقیق حاضر بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌بندی انجام گرفته است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۶ نفر انتخاب شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی با شکاف نسلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد نتایج معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیرهای شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری بر شکاف نسلی دارند، و میزان این تأثیر به ترتیب برابر با ۱/۰۲، ۰/۰۳۲- و ۰/۰۹۳- است. بر اساس نتایج پژوهش می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آن‌ها را دستخوش چالش و دگرگونی کند.

مفاهیم کلیدی: شکاف نسلی، فضای مجازی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) javid1349@yahoo.com

^۲ استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران hahmadi@rose.ac.ir

^۳ استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران mrajabi79@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر، مشکل شکاف نسلی^۱ در میان جوانان در حال افزایش است، چرا که جوانان امروز به شدت تحت تأثیر فرایند مدرن سازی قرار می‌گیرند و والدین‌شان کمتر تحت تأثیر این امر قرار دارند. از این رو تفاوت‌های زیادی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و آرزوها بین جوانان و والدین آنها به وجود می‌آید (پاتیل^۲، ۲۰۱۴: ۳۱۲). نسل‌ها به‌عنوان گروهی از افراد تعریف می‌شوند، که تقریباً در یک زمان به یک سن خاص برسند، تحت تأثیر رویدادهای مهمی که در طول سال‌های کلیدی آنها اتفاق می‌افتد، مانند تغییرات اقتصادی، جنگ، تغییرات سیاسی، ایدئولوژی‌های مختلف، نوآوری‌های تکنولوژیکی و تحولات اجتماعی قرار گیرند. این حوادث و رویدادهای مهم به منظور تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و ترجیحات اجتماعی این گروه‌ها عمل می‌کنند (پارک و پارک^۳، ۲۰۱۷: ۱). شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل جوانان و بزرگسالان به خصوص در بعد هویتی؛ بطور وسیع‌تری در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به نحوی که هویت، احساس تعلق خاطر به فرهنگ، ارزش و فرهنگ بومی در نسل‌ها که موجبات همبستگی اجتماعی یک جامعه را مهیا می‌سازد سبب تفاوت، تعارض فرهنگی و هویتی می‌گردد. اگر در فرآیند اجتماعی شدن کودکان، نوجوانان و جوانان فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل نشود، اشتراکات فرهنگی بین نسل کم رو به افول می‌رود و جامعه به انواع آسیب و بیماری بحران هویتی گرفتار می‌آید (فالك^۴، ۲۰۰۵: ۱۳۴).

پس می‌توان گفت که امروزه آنچه با عنوان شکاف نسل‌ها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود، گسست تعارضات ارزشی بین والدین و فرزندان است که اذهان اندیشمندان، برنامه‌ریزان، و حتی توده مردم را نگران کرده است. شواهد حاکی از آن است که در سال‌های اخیر به تدریج چالش بین والدین و فرزندان گسترش یافته است. اگر فاصله و

¹ Generation Gap

² Patil

³ Park & Park

⁴ Falk

جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود، به تعارض بین نسل‌ها که همان شکاف نسلی است می‌انجامد. از آنجا که جامعه همیشه در مسیری رو به پیشرفت و در حال گذار است، باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می‌گذارد که با توجه به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هر جامعه‌ای این تأثیرات متفاوت خواهد بود (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۷).

از سوی دیگر، "معیدفر" (۱۳۹۲)، معتقد است تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور، که از عصر مشروطه آغاز و بعد از انقلاب اسلامی به کل جامعه گسترش یافته است، موجب جابه‌جایی‌های ساختاری و شکاف‌های عظیم اجتماعی در جامعه شده که امروزه در بحرانی‌ترین وضعیت خود قرار دارد و تا مدت‌های مدیدی می‌تواند آسیب‌زا باشد. وی از شکاف نسلی به منزله یکی از مهمترین شکاف‌ها نام می‌برد و می‌گوید امروز جوانان از مسائل جدی جامعه‌اند و به رغم جمعیت بسیارشان از نظر جایگاه به شدت با طبقات میانسال و سالمند فاصله دارند؛ این گروه هم استقلال کمتری دارند، هم موقعیت اقتصادی - اجتماعی پایین‌تری دارند، و هم در بروز منویات خودشان مشکل دارند (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی در خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده تحت تأثیر قرار گرفته و موجب شده تا شاهد تغییراتی در رفتار و گفتار نسل جوان باشیم. از جمله این وسایل، دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی می‌باشد. وسایل ارتباط جمعی علاوه بر نقاط قوت، امروز دارای نقاط ضعفی هم هستند، این وسایل ارتباط جمعی، فواصل را ناپدید می‌سازند، همچنان که جدار بین انسان‌ها را نیز تا حدودی شفاف‌تر می‌سازند (اسلوین^۱، ۲۰۰۱: ۸۳). شکاف نسلی میان فرزندان از یک سو به‌عنوان نسل جوان و نماینده ارزش‌های جدید و از سوی دیگر والدین به‌عنوان نسل بزرگسال و نماینده ارزش‌های قدیم مشهود است. بطوری که این تعارض و تنش به‌عنوان یک آسیب و عارضه آشکارا خود را در خانواده نمایان می‌کند. رسانه‌ها با عرضه اطلاعات تازه، تعارض ارزشی مخاطبان خود را به‌ویژه میان جوانان افزایش می‌دهند. هنگامی که تعارض‌های ارزشی

^۱ Eslovin

مربوط به مسائل مختلف از طریق رسانه‌های گروهی مطرح می‌شوند، مخاطبان نیز تمایل می‌یابند موقعیت ارزشی خود را معین و مشخص کنند. این فرایند ممکن است تا حدی منجر به رفتارهای متعارض شود. زیرا افراد با انتخاب‌های مختلف ناسازگار ارزشی روبرو هستند که زمینه را برای تغییر نظام ارزشی و هویت افراد فراهم می‌آورد. ارزیابی ارزش‌ها و انتخاب، فرد را به تفسیر تازه‌ای از عناصر هویت خود می‌رساند. عوامل اجتماعی متعددی بر دور شدن نسل‌ها از یکدیگر و بروز شکاف نسلی تأثیر گذار هستند. در این میان وسایل ارتباط جمعی نقش بارزی ایفا می‌کنند (صوری و توکلی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

اگر چه این تغییر در دستورالعمل جامع‌تر اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است اما پیامدهای اجتماعی تقسیم دیجیتال هنوز به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. به خصوص در تحقیقات تجربی کمتر به این موضوع پرداخته شده است. تاکنون سؤال اصلی دقیقاً همان سؤالی است که در مورد از استفاده از اینترنت و منافع استفاده از اینترنت پرسیده می‌شود و این سوال هم حل نشده باقی مانده است و اغلب به سادگی فرض می‌شود که آنلاین بودن الزاماً یک چیز خوب است (وی و هایندمن^۱، ۲۰۱۱: ۲۱۷). یکی از وسایل ارتباط جمعی جدید که تأثیر خیلی زیادی بر شکاف نسلی دارد، شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند (کلارک^۲، ۲۰۰۹: ۳۸۹).

شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از جدیدترین فناوری‌های ارتباطی ارائه‌دهندگان فضای جهانی در حوزه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که به کاربران برای حفظ روابط اجتماعی موجود، پیدا کردن دوستان جدید، تغییر و تکامل سایت‌ها و شریک و سهمیم شدن در تجربه‌ها کمک می‌کنند و زمینه عضویت، فعالیت و مشارکت هدفمند کاربران را فراهم می‌آورد (مساری^۳، ۲۰۱۰: ۱). الیسون و بوید^۴، معتقدند شبکه‌های اجتماعی، مبتنی بر وب هستند که با اتصال مردم یا گروه‌ها به یکدیگر سبب به اشتراک‌گذاری اطلاعات از طریق اینترنت می‌شوند؛ و همچنین معتقدند که

¹ Wei & Hindman

² Clark

³ Massari

⁴ Ellison & Boyd

شبکه‌های اجتماعی مجازی خدمات مبتنی بر وبی هستند که اجازه می‌دهند افراد بتوانند: ۱. در چارچوب یک سیستم مشخص پروفایل‌های عمومی و نیمه خصوصی بسازند، ۲. با سایر کاربرانی که در آن سیستم حضور دارند به تبادل نظر و اطلاعات بپردازند و ۳. لیست پیوندهای خود و دیگرانی که در آن سیستم هستند را مشاهده کنند (الیسون و بوید، ۲۰۰۷: ۲۱۱).

در چند سال اخیر شبکه‌های اجتماعی مجازی با محبوبیت کم نظیر جهانی روبرو شده‌اند، به طوری که میلیون‌ها نفر از سراسر دنیا در این شبکه‌ها عضویت دارند و روابط انسانی، نوع همکاری، وابستگی حرفه‌ای و بسیاری امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در بستر این شبکه‌ها ایجاد یا دنبال می‌کنند. بنابراین به لحاظ گستره کاربری می‌توان گفت که در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی چندی پیش از یک فضای اطلاعاتی جهانی وجود دارد. برخی معتقدند که یک بافت اجتماعی جدید در حال ساخته شدن است و نیاز دارد که ما فناوری را به منظور کاربردی کردن خدمات تحت وب به رسمیت بشناسیم (اندرسون^۱، ۲۰۰۷: ۲). در واقع، شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند، به طور کلی، از راه اطلاعاتی که روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد؛ مانند تصویر کاربر، اطلاعات شخصی و علایق برقراری ارتباط آسان می‌شود، کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های مختلف، مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمپک^۲ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۸).

بر این اساس می‌توان گفت که دلایل و نیازهای متنوع کاربران روز به روز بر رشد و دامنه گسترش رسانه‌های اجتماعی می‌افزاید. کاربران گوناگون در سطوح مختلف سنی، تحصیلی، فرهنگی و با جنسیت، نژاد و زبان‌های متفاوت بر حسب علائق، اهداف، دلایل و نیازهای خود طیف وسیعی از محتوا را تولید و یا باز نشر می‌کنند. در نتیجه استفاده و وابستگی به رسانه‌های اجتماعی رشدی روز افزون داشته و در زندگی فرد جایگاه مشخصی پیدا خواهد کرد و این شبکه‌های اجتماعی باعث به وجود آمدن یک شکاف و گسست

¹ Anderson

² Pempek

نسلی بین این کاربران و والدینشان می‌شود. تحقیق حاضر در همین راستا و با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز انجام خواهد شد. همچنین در مورد انتخاب دانشجویان به‌عنوان جامعه آماری می‌توان گفت که اولاً این دانشجویان با توجه به دسترسی بیشتر به اینترنت، بیشترین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را دارند، ثانیاً، بیشتر دانشجویان در گروه سنی هیجده تا سی سال یعنی دوران هویت‌یابی قرار دارند و این موضوع تصویر شفاف‌تری از شکاف نسلی را نشان می‌دهد.

مبانی نظری تحقیق

در حوزه شکاف نسلی و عوامل آن مطالعات کم و بیش ارزشمندی در ایران و خارج از آن انجام شده، اما مطالعاتی که به بررسی رابطه بین شکاف نسلی و فضای مجازی پرداخته باشند، در ایران محدود بوده است. در این قسمت ابتدا مهم‌ترین مطالعات انجام شده در رابطه با شکاف نسلی مرور می‌شود و سپس به نظریه‌های مرتبط با موضوع و نهایتاً مدل مفهومی طرح می‌گردد.

جعفرزاده‌پور (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «رسانه، ابزاری برای دسته‌بندی نسل‌ها در ایران» انجام داده است. با توجه به دسته‌بندی‌های گذشته در رابطه با شکاف نسل‌ها و با عنایت به سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف به دنبال بازنگری در دسته‌بندی‌های پیشین نسلی در کشور بوده است. این مقاله ضمن پیشنهاد مدلی برای دسته‌بندی نسل‌ها با تأکید به دو متغیر ابژه نسلی و رسانه دوران هویت‌یابی، بر این باور است که متغیرهای مذکور بر الگوی رفتاری و ارزشی نسل‌ها تأثیرگذار بوده و افرادی که در زمان‌های مشابه دارای تجربیات نسلی بوده و رسانه‌های مشترکی را در دوران هویت‌یابی استفاده کردند، احتمال زیاد نگرش‌ها و رفتارهای تقریباً مشابهی دارند.

کفاشی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران» انجام داده است. نتایج این پژوهش بر وجود یک الگوی رابطه آماری مستقیم و معکوس بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حکایت دارد. به‌عبارت دیگر رابطه معنی‌داری بین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی شامل سبک زندگی، موقعیت محل

سکونت، معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، نظام آموزشی با متغیر وابسته شکاف نسلی وجود دارد. همچنین نتایج الگوسازی معادلات ساختاری حکایت از رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است، که با توجه به شاخص‌های الگوسازی می‌توان استدلال کرد مدل‌های ارائه شده از برازش خوبی برخوردار بوده و انطباق مطلوبی بین این مدل به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی دارند.

حیدرآبادی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «بررسی پدیده شکاف نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین والدین و دانشجویان مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان شکاف نسلی در حد متوسط می‌باشد. با این وجود بین میزان اعتماد اجتماعی، ساختار خانواده، وسایل ارتباط جمعی و اوقات فراغت با میزان شکاف نسلی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی با شکاف نسلی تفاوت معناداری وجود دارد. همبستگی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و شکاف نسلی منفی بوده بدین صورت که هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی بیشتر باشد، شکاف نسلی (در چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) بین والدین و دانشجویان افزایش می‌یابد.

شیرین‌بیان و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «شکاف نسلی در ایران: مورد مطالعه خانواده شهرهای گرمسار» انجام داده‌اند. هدف این پژوهش، کشف فاکتورهای تشدیدکننده بسط تفاوت‌ها و شکاف‌ها در بین والدین و فرزندان‌شان بوده است. یک نمونه متشکل از ۴۳۰ نفر در شهر گرمسار با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی برای این تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و تجددگرایی از عوامل اصلی شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در زمینه‌های (ارزش‌های مادی (اقتصادی) و ارزش‌های غیر مادی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سنتی، دینی) هستند.

احمدی و احمایی (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب» انجام داده‌اند. پژوهش

حاضر با هدف بررسی میزان شکاف نسلی بین دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب و عوامل مؤثر در آن با روش پیمایشی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین متغیرهای دینداری، سرمایه فرهنگی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه اقتصادی، میزان تحصیلات پدران، و سن با شکاف نسلی وجود دارد، ولی جنسیت با شکاف نسلی رابطه معناداری را از خود نشان نداد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تحقیق نشان داد حدود ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل پژوهش تبیین کرده‌اند.

محمدپور و آزادی‌نژاد (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین تهرانی» انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محتوای اینترنت و برقراری ارتباط در این فضای مجازی بر ایجاد شکاف نسلی میان فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی تأثیر دارند. اما دوستیابی به‌عنوان یکی از شقوق فرهنگ‌پذیری و همچنین برخورداری آنها از اینترنت، تأثیری در شکاف میان این دو نسل ندارد. فرضیه‌های دیگر این تحقیق که با ارزیابی و اندازه‌گیری شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیش گفته در پی اثبات تأثیر اینترنت بر شکاف نسلی میان والدین و فرزندان خانواده‌های تهرانی بود، رد شد و گواه بر آن دارد که اینترنت بر ایجاد این شکاف‌ها بی‌تأثیر است.

صبوری خسروشاهی و توکلی‌نیا (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی» انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به‌طور کلی شکاف نسلی میان والدین و فرزندان وجود ندارد و نوعی اتفاق نظر میان آنان وجود دارد. لیکن این اتفاق نظر در برخی از حوزه‌ها بیشتر و در برخی از حوزه‌ها کمتر می‌باشد، به عبارتی در زمینه نماز خواندن، روزه گرفتن و دوستی دختر و پسر، بیشترین اتفاق نظر و در زمینه دیدار اقوام، نحوه گذران اوقات فراغت و خرید وسایل زندگی کمترین اتفاق نظر وجود داشته است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد فرزندی که تمایل بیشتری به دیدن سریال‌های خارجی داشته‌اند شکاف بیشتری میان آنان و والدین‌شان وجود داشته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که رسانه ملی بر شکاف نسلی تأثیر چندانی نداشته است.

پارک و پارک^۱ (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «بررسی شکاف نسلی در محل کار در کره جنوبی» انجام داده‌اند. در این مطالعه، ادبیات جاری در مورد مسائل نسلی در کره، به‌ویژه در رابطه با محل کار، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش، به این نتیجه رسیدند که نسل‌های متمایز کارگران، در کره وجود دارد؛ در حالی که خصوصیات نسلی بین کره و ایالات متحده به دلیل عوامل منحصر به فرد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی دارای تفاوت‌های قابل توجهی با هم هستند. با توجه به صنعتی شدن سریع و تحولات اجتماعی در چند دهه گذشته، جامعه کره به نظر می‌رسد شکاف گسترده‌تری را بین نسل‌های قدیمی‌تر و جوان‌تر نسبت به ایالات متحده از خود نشان می‌دهد. همچنین به این نتیجه رسیدند که این شکاف نسلی باید در مطالعات بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

نیلسن^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «سرگردانی در یک شکاف: دیدگاه نسلی درباره پناهندگان قدیمی در دانمارک؛ یک مطالعه کیفی» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد چگونه آسیب‌پذیری می‌تواند از یک عضو خانواده به دیگری انتقال یابد. انطباق بین انتظارات و نیازهای سالخوردگان و انتظارات جامعه، اعضای خانواده را در معضلات اخلاقی گرفتار می‌کند. این تقسیم‌بندی، خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تصمیم‌گیری دشوار، افزایش استرس و آسیب‌پذیری منجر می‌شود. همچنین به این نتیجه رسیدند که مهاجرت و جابجایی می‌تواند منجر به احساسات متضاد در بین اقوام جوان در مورد نقش آنها در مراقبت از بستگان بزرگ‌تر شود و به نوعی باعث ایجاد یک شکاف نسلی گردد.

هالپرین و درور^۳ (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان «حریم خصوصی و شکاف نسلی دیجیتال: یک مطالعه اکتشافی» انجام داده‌اند. به این نتیجه رسیدند که راه‌حل‌های مربوط به نگرانی‌های امنیتی کاربران اینترنت جوان در حال اعمال است، بنابراین ادعاهای بیش از حد عمومی از شکاف نسلی واضح در ارتباط با حفظ حریم شخصی آنلاین چالش می‌کشد. همان‌طور که اطلاعات مربوط به حریم خصوصی در حال افزایش است، بیانیه‌های بی‌اساس بیان شده به وسیله ذینفعان با منافع واجد شرایط باید به یک طرف قرار داده شود.

¹ Park & Park

² Nielsen

³ Halperin & Dror

در عوض، تحقیقات سیستماتیک برای درک اینکه چگونه افراد در گروه‌های سنی مختلف درک و کنترل حریم خصوصی را درک می‌کنند و چه اقداماتی می‌تواند و باید انجام شود تا نگرانی‌های فعلی و آینده کاربران اینترنت را در نسل‌های آینده مورد توجه قرار دهد.

کلارک^۱ (۲۰۰۹)، پژوهشی با عنوان «رسانه‌های دیجیتال و شکاف نسلی» انجام داده است. این پژوهش در نظر دارد که چگونه والدین تلاش می‌کنند قدرت را در ارتباط با استفاده از رسانه‌های دیجیتال در میان فرزندان نوجوان خود بیان کنند و چگونه شیوه‌هایی که نوجوانان آنها را تفسیر می‌کند، تلاش‌های والدین برای ابراز قدرت را بر راهکارهایی که آنها در مورد رسانه‌های دیجیتال درگیر می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. مقاله استدلال می‌کند که خانواده‌های محروم از لحاظ اقتصادی، شکاف نسل دیجیتالی با شدت خاصی را تجربه می‌کنند، استراتژی‌های آنها نشان می‌دهد که آنها و فرزندان نوجوان خود قادر به حل این چالش‌ها با روش‌های خلاقانه و مؤثر هستند.

اسمیت و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، پژوهشی با عنوان «شکاف نسلی: وساطت تکنولوژی در مدیریت شبکه‌های اجتماعی شخصی» انجام داده‌اند. در این پژوهش به بررسی میزان و چگونگی استفاده جوانان و والدین از وسایل ارتباط جمعی، پیام کوتاه، پست الکترونیکی، تلفن همراه پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جوانان به‌طور کاملاً متفاوتی از والدین خود از این وسایل استفاده می‌کنند. جوانان بیشتر اوقات خود را با خانواده و دوستان می‌گذارند، اما زمانی که نمی‌توانند با آنها باشند، از انواع وسایل یاد شده برای پر کردن اوقات فراغت خود استفاده می‌کنند، در صورتی که والدینشان چنین وضعیتی ندارند.

در رابطه با شکاف نسلی و عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در چند سال اخیر مطالعات خوبی انجام شده است و در این مطالعات به رابطه بین شکاف نسلی و میزان تحصیلات، رسانه جمعی، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. در این مورد با تأمل در تحقیقات انجام شده مشاهده می‌شود که در این پژوهش‌ها به موضوع شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر شکاف نسلی توجه نشده است و کمتر به این موضوع پرداخته‌اند که

¹ Clark

² Smith

شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان بعدی از جهانی‌شدن چه تأثیراتی بر روابط بین نسلی بین فرزندان و والدینشان ایجاد نموده است و این وجه متمایز این تحقیق نسبت به تحقیقات دیگر است. از سوی دیگر با تأمل به تحقیقات انجام شده در ارتباط با شکاف نسلی در می‌یابیم که تحقیقات خیلی اندکی در رابطه با شکاف نسلی در شهر شیراز و در بین دانشجویان دانشگاه شیراز انجام شده است و این موضوع هم می‌تواند وجه تمایز تحقیق حاضر نسبت به تحقیقات دیگر باشد.

در حوزه شکاف نسلی نظریه‌های ارزشمندی توسط نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و سایر حوزه‌های علوم اجتماعی ارائه گردیده است. در این بخش با استفاده از آراء اینگلههارت، بوردیو و کلمن سعی در ارائه چارچوب نظری و متن از آن مدل مفهومی در جهت تبیین رابطه بین متغیرهای پژوهش می‌گردد. رونالد اینگلههارت^۱ معتقد است که وجه تمایز مردم جوامع مختلف نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است، به بیان دیگر فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی - سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. این تغییرات از جنبه‌های مختلف زندگی تا بدان حد بوده که می‌توان اظهار داشت که در مقام کشورهای پیشرفته صنعتی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است (رحیمی، ۱۳۹۰: ۳۵).

اینگلههارت معتقد است که دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است، از این‌رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است (اینگلههارت، ۱۳۹۵: ۱).

از نظر اینگلههارت، چرخه زندگی (این‌که هر گروه سنی بنا به اقتضائات روان‌شناختی آن دوران ارزش‌های گوناگونی دارد و افراد با وارد شدن به آن دوران، آن ارزش‌ها را به خود

^۱ Ronald Inglehart

می‌گیرند) تأثیر اساسی روی تفاوت ارزش‌ها ندارد بلکه یکی از مؤلفه‌های اصلی دگرگونی ارزشی جایگزینی نسلی است، یعنی نسلی که بعد از جنگ جهانی دوم دوران بلوغ خود را می‌گذراند، در اثر توسعه و تحولات اقتصادی، دورانی از ثبات اقتصادی و وفور کالاهای مادی را تجربه نمود و بنابراین ارزش‌های غیر مادی برای آن‌ها اولویت بیشتری پیدا کرد. اینگلهارت تأثیر نهادهای فرهنگی را در این دگرگونی چندان زیاد نمی‌بیند (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۱۱۵). رونالد اینگلهارت، معتقد است که تغییر ارزشی، روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به‌طور مداوم از سالی به سال دیگر (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۲).

پیر بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی را اوایل دهه ۱۹۶۰ به منظور رفع یک مسأله تجربی ویژه؛ به‌عبارت دیگر این مسأله که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موقعیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی کافی نیست، ابداع کرد (واینگر و لارو^۱، ۲۰۰۷: ۸۸۷). سرمایه فرهنگی به تمرکز و انباشت انواع کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل گفته می‌شود (بوردیو، ۱۹۸۴: ۵۷).

پس سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸). از نظر او، سرمایه فرهنگی شامل آشنایی با فرهنگ حاکم در جامعه و مخصوصاً توانایی فهم و استفاده از زبان فرهیختگان (تحصیل‌کرده‌ها) است. در واقع، تملک سرمایه فرهنگی، از پیش فرض‌های نظام آموزشی است که تعداد اندکی از دانش‌آموزان از آن بهره‌مندند. همچنین، بوردیو استدلال می‌کند که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد: ۱ سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (درونی شده). این سرمایه نوعی ثروت بیرونی است که بخش جدایی‌ناپذیر فرد شده است. این همان بخشی است که بوردیو آن را سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل کرد؛ ۲. سرمایه فرهنگی عینیت یافته، این سرمایه در اشیای مادی تجسم می‌یابد و از ویژگی‌های بارز آن قابل انتقال بودن آن است (به صورت خرید و فروش، واگذاری و وراثت) و بدین

^۱ Weininger & Lareau

جهت این نوع سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است؛ ۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده (ضابطه‌ای)، صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی پیدا می‌کنند و به دارنده آنها، هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی، ارزش اجتماعی و تعریف شده می‌دهند، نمونه‌ای از این نوع سرمایه است (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

بوردیو نیز مسئله نسل‌ها، روابط نسلی و تضاد و تقابل میان نسل‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی، نظیر دانشگاه، سیاست، ادبیات، هنر و غیره را پیگیری و تحلیل کرده است. وی به عنوان جامعه‌شناسی که متأثر از دیدگاه کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد است، چالش‌های بین نسلی را همانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشربندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف نمی‌داند و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد. به اعتقاد بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۶). بوردیو بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت‌های موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در عرصه‌های مختلف در ریشه‌یابی شکاف نسلی تأکید دارد (همان، ۱۰۷).

بدین ترتیب بوردیو به جای تبیین شکاف نسل‌ها با معیارهای ذهنی و بر حسب تأثیر جریان‌ها و حوادث عمده تاریخی بر روی ذهنیت و آگاهی هویت ویژه نسلی که بر رهیافت مانهایمی مسلط است با رویکردی عینی به تبیین تعارضات نسلی بر حسب جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای از منابع و نبرد نسل‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد. منابعی که در واقع محصول شرایط تاریخی هر نسل است و دستیابی و بهره‌برداری از آن چنانکه ترنر یادآور می‌شود مستلزم نوعی هویت و همبستگی نسلی است که از سوی یک نسل علیه نسل‌های رقیب سازمان می‌یابد. از این رو ویژگی بارز جامعه‌شناسی بوردیو این است که نسل‌ها را به‌عنوان یک ساخت اجتماعی

حاصل تضاد بر سر منابع اقتصادی و فرهنگی در داخل یک میدان معین می‌داند (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۰۲).

کلمن^۱ بیشتر توجه خود را به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده و بیشتر به تأثیر این نوع سرمایه اجتماعی بر رشد شناختی دانش‌آموزان پرداخته است (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵). کلمن از رابطه بین نوجوانان و والدین‌شان به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده یاد می‌کند. این سرمایه شامل میزان علاقه‌ای است که نوجوانان به والدین‌شان دارند و با آنها صمیمی‌اند. به‌عبارتی دیگر، کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و به‌طورکلی میزان روابط بین والدین و فرزندان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده هستند (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۹). وی نهاد خانواده را به‌عنوان یک نهاد کلیدی که از طریق آن سرمایه اجتماعی انتقال داده می‌شود شناسایی کرده است، سرمایه اجتماعی موجود در درون خانواده که باعث می‌شود سرمایه انسانی بزرگ‌ترها در دسترس کودکان قرار گیرد هم در حضور بزرگ‌ترها در خانواده و هم به توجه آنان به کودک بستگی دارد و غیبت بزرگ‌ترها کمبودی ساختاری در سرمایه اجتماعی خانواده است، برجسته‌ترین مصداق کمبود ساختاری در خانواده‌های مدرن، خانواده تک سرپرست است. البته خانواده هسته‌ای که در آن یک نفر یا هر دو در خارج از خانه کار می‌کنند نیز می‌تواند به لحاظ ساختاری ناقص باشد. زیرا میزان سرمایه اجتماعی که با حضور والدین در خانه و یا با حضور پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و عمه و خاله وی در داخل خانه یا در نزدیکی آن شکل می‌گیرد، متفاوت از سایر شرایط‌ها است و اگر روابط قوی بین کودکان و پدر و مادر وجود نداشته باشد باز هم خانواده فاقد سرمایه اجتماعی است (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۷۴).

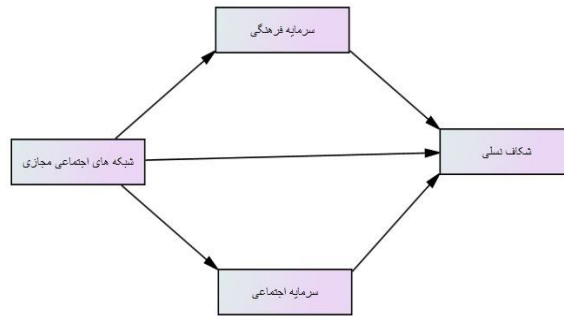
تعاملات والدین و کودکان در بطن خانواده به‌عنوان سرمایه اجتماعی درون خانواده و تعاملات خانواده با سایر افراد گروه‌ها و نهادها از جمله همسایگان اقوام و خویشاوندان و مسئولان مدرسه به‌عنوان سرمایه اجتماعی بیرون خانواده مورد نظر قرار گرفته است. غالباً بین سرمایه درونی و بیرونی خانواده می‌تواند ارتباط مثبت وجود داشته باشد، دست کم

^۱ Kelman

نوجوانان تک والدین یا آنها که والدین‌شان از هم جدا شده‌اند از دسترسی به پدر و شبکه ارتباطات پدر در جامعه وسیع‌تر و نیز اعتماد بینابینی به یک شخصیت مقتدر که بارزترین مدل ایفای نقش به شمار می‌رود روابط کودک را با دیگر بزرگسالان شکل می‌دهد. محروم می‌مانند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۴۳).

پس در نظریه کلمن دو عنصر کلیدی سرمایه اجتماعی خانواده، یکی شبکه‌هاست که یک عنصر عینی می‌باشد و دیگری هنجارها که یک عنصر ذهنی است. وی سه مکانیسم را ذکر کرده که از طریق آن خانواده‌ها سرمایه اجتماعی را انتقال می‌دهند: ۱- از طریق تلاش و زمانی که توسط والدین مصرف می‌شود؛ ۲- از طریق پیوندهای مؤثر بین والدین و فرزندان؛ ۳- از طریق رهنمون‌های روشن و مفصلی که با رفتارها سر و کار دارد و قابل قبول یا غیر قابل قبول به نظر می‌رسد (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۷۵).

چارچوب نظری پژوهش براساس سه نظریه دگرگونی ارزش‌های اینگلهارت، سرمایه فرهنگی بوردیو و سرمایه اجتماعی کلمن می‌باشد. اینگلهارت معتقد است که در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی - سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. از سوی بوردیو به نقش سرمایه فرهنگی در شکاف نسلی می‌پردازد و معتقد است که سرمایه فرهنگی نقش برجسته‌ای در شکاف نسلی دارد. بوردیو، چالش‌های بین نسلی را همانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشربندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف، نمی‌داند و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد. به اعتقاد بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. همچنین کلمن به نقش سرمایه اجتماعی بر شکاف نسلی می‌پردازد و معتقد است که کمبود روابط قوی منجر به قرارگیری فرزندان در اجتماعات جوانان و ارتباط والدین با بزرگسالان دیگر می‌شود که این خود سرمایه اجتماعی خانواده را کاهش می‌دهد و زمینه را برای پیامدهای دیگر فراهم می‌سازد. با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، می‌توان مدل تحقیق را به شکل زیر ارائه نمود.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق کمی است و تکنیک پیمایشی می‌باشد. کلیه دانشجویانی که در دانشگاه شیراز در مقطع کارشناسی و بالاتر در نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ در شهر شیراز مشغول به تحصیل بوده‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری در تحقیق حاضر بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌بندی انجام گرفته است. در نمونه‌گیری طبقه‌ای جامعه به گروه‌ها و یا طبقات مجزا تقسیم می‌شود و با استفاده از روش تصادفی از هر طبقه نمونه‌ها انتخاب می‌شوند. جامعه آماری تحقیق حاضر براساس دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت تقسیم شده است و تعداد نمونه از هر طبقه متناسب با حجم طبقه انتخاب شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۶ نفر تعیین شد. به منظور تحلیل اولیه داده‌ها از نرم‌افزار *SPSS 22* استفاده شد؛ به منظور استخراج تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل و واسط بر متغیر وابسته از آزمون معادلات ساختاری با نرم‌افزار *Amoss 22* کمک گرفته شد.

برای تعریف عملیاتی متغیر وابسته تحقیق، از پرسشنامه بابایی فرد و روحی استفاده شده است. گویه‌های این پرسشنامه شما سؤالات زیر هستند:

۱. من در مورد شیوه ازدواج و همسرگزینی با دیدگاه پدر و مادرم کاملاً اختلاف دارم.
۲. نوع نگاه من به دینداری کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد.

۳. نوع برخورد من با مناسک دینی مثل، نماز و روزه، کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد.

۴. می‌توان بدون تکیه بر سنت‌هایی که پدر و مادران پایبندند، زندگی کرد.

۵. نوع برخورد من با پوشش و مد لباس کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد.

۶. من از نظر گرایش‌های سیاسی با پدر و مادرم اختلاف زیادی دارم.

۷. من از نظر انتخاب نوع شغل با پدر و مادرم کاملاً اختلاف نظر دارم.

۸. من از نظر انتخاب رشته تحصیلی با پدر و مادرم کاملاً اختلاف نظر دارم.

۹. من نسبت به والدینم تمایل و گرایش بیشتری به فرهنگ‌های غیر ایرانی دارم.

۱۰. من نسبت به والدینم تمایل و گرایش بیشتری به استفاده از رسانه‌های ارتباطی جهانی، مثل تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت، دارم.

۱۱. نوع نگاه و برخورد من به مسأله اوقات فراغت با نوع نگاه و برخورد والدینم کاملاً

اختلاف دارد.

۱۲. نوع نگاه و برخورد من با مسأله ارتباط با جنس مخالف با نوع نگاه و برخورد

والدینم کاملاً اختلاف دارد (بابایی‌فرد و روحی، ۱۳۹۵: ۴۹).

برای سنجش سرمایه اجتماعی از دو بعد استفاده شده است. سرمایه اجتماعی درون خانوادگی و سرمایه اجتماعی برون خانوادگی. سرمایه اجتماعی برگرفته از پرسش‌نامه شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۶)، می‌باشد. سرمایه اجتماعی درون‌خانواده شامل مؤلفه‌های تعامل بین اعضای خانواده، تعداد فرزندان، حضور والدین در خانه، سطح انتظارات والدین، آگاهی والدین، صمیمیت بین اعضای خانواده و اعتماد درون‌خانواده و اشتغال والدین می‌باشد. سرمایه اجتماعی برون‌خانواده مربوط به جنبه‌های عینی سرمایه اجتماعی در خانواده است و شامل مؤلفه‌هایی چون تحرک و جابه‌جایی مکانی، ارتباطات اجتماعی و فروستگی بین‌نسلی، اعتماد بیرون خانواده (تعمیم‌یافته)، همکاری و حمایت اجتماعی می‌باشد. سرمایه فرهنگی شامل سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادی می‌باشد. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته با مهارت‌های فرهنگی و هنری فرد و همچنین میزان صرف وقت برای امور فرهنگی اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، وسایل و تکنولوژی‌های فرهنگی

پاسخ‌گو مورد سؤال قرار گرفته است. سرمایه فرهنگی نهادی با تحصیلات پاسخ‌گو و میزان آشنایی او با زبان‌های خارجه و مدارک آموزشی مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش متغیر شبکه‌های اجتماعی مجازی از چند بعد استفاده شده است. از جمله اینکه این کاربران چه میزان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در طول یک شبانه روز استفاده می‌کنند، اینکه این کاربران چند سال سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند و اینکه تا چه در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی احساس آزادی می‌کنند.

برای تعیین اعتبار سؤالات پرسشنامه از اعتبار ظاهری استفاده شد. در این زمینه پرسشنامه به صاحب‌نظران داده شد تا نظرات خود را در مورد سؤالات مطرح نمایند و پس از دریافت نظر آن‌ها نسبت به اصلاح سؤالات و گویه‌ها اقدام گردید. پایایی گویه‌ها از شیوه بررسی همسازی (پاسخ فرد به یک گویه در مقایسه با هر یک از گویه‌های دیگر مقیاس) یا همبستگی گویه به گویه استفاده شده است. بدین وسیله پایایی کل مقیاس با استفاده از آماره «آلفا» سنجیده شد و در مجموع در دو مرحله سنجیده شده است. مرحله اول: نتایج حاصله آزمون پایایی سؤالات و گویه‌ها در آزمون مقدماتی که با ۳۰ نفر پاسخگو مصاحبه شد، باعث حذف، تغییر و تصحیح در متن گویه‌ها در پرسشنامه گردید. مرحله دوم: این مرحله مربوط به تحقیق اصلی هست که ضمن اینکه با ۳۸۶ نفر مصاحبه شد و مجدداً آزمون پایایی انجام گردید نتایج این آزمون در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱: نتایج پایایی شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص	تعداد گویه	ضریب روایی (آلفا)
۱	شکاف نسلی	۲۴	۰/۸۸۰
۲	سرمایه فرهنگی	۱۹	۰/۸۸۲
۳	سرمایه اجتماعی	۴۸	۰/۷۹۳

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۲ آورده شده است. چهار ویژگی جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات و سن مد نظر است. در جنسیت تعداد مردان ۱۷۵ نفر معادل ۴۵/۵ درصد و فراوانی زنان ۱۹۹ نفر است معادل ۵۱/۷ درصد است و در وضعیت تأهل فراوانی

افراد مجرد ۳۱۴ نفر معادل ۸۱/۶ درصد است و فراوانی متأهلین ۵۵ نفر معادل ۱۴/۳ درصد است. همچنین در میزان تحصیلات تعداد مقطع کارشناسی در نمونه مورد نظر ۲۶۱ نفر معادل ۶۷/۸ درصد، ارشد ۶۲ نفر معادل ۱۶/۱ درصد و دکترا ۴۲ نفر معادل ۱۰/۹ درصد است. به لحاظ سن، اکثریت در گروه سنی بین ۱۸ تا ۲۲ سال قرار داشته‌اند.

جدول ۲: ویژگی‌های توصیفی نمونه

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۷۵	٪۴۵/۵
	زن	۱۹۹	٪۵۱/۷
وضعیت تأهل	مجرد	۳۱۴	٪۸۱/۶
	متأهل	۵۵	٪۱۴/۳
تحصیلات	کارشناسی	۲۶۱	٪۶۷/۸
	کارشناسی ارشد	۶۲	٪۱۶/۱
	دکترا	۴۲	٪۱۰/۹
سن	۱۸ تا ۲۲ سال	۲۵۱	٪۶۵/۲
	۲۳ تا ۲۷ سال	۵۲	٪۱۳/۵
	۲۸ تا ۳۲ سال	۵۰	٪۱۳/۰
	۳۳ سال و بالاتر	۱۴	٪۳/۶

جدول ۳ فراوانی پاسخگویان در مورد شکاف نسلی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود میزان شکاف نسلی در بین پاسخگویان تحقیق در حد متوسطی بوده است، یعنی اینکه اکثریت پاسخگویان که حدود ۶۳ درصد می‌باشند احساس شکاف نسلی متوسطی داشتند.

جدول ۳: توصیف متغیر وابسته پژوهش

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
شکاف نسلی	کم	۹۷	٪۲۵/۲
	متوسط	۲۴۳	٪۶۳/۱
	زیاد	۴۲	٪۱۰/۹

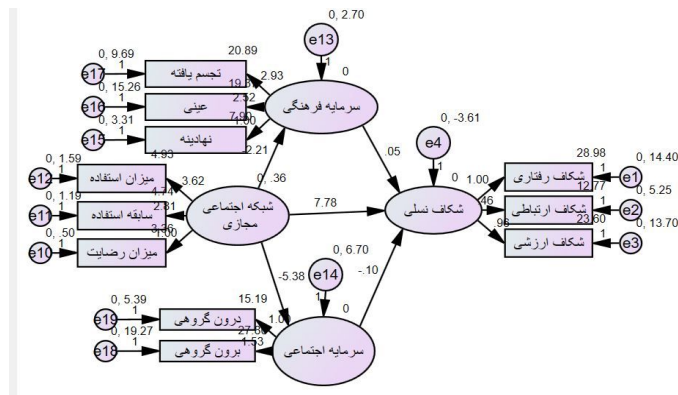
در این بخش فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. تکنیک‌های بکار گرفته شده بر اساس سطح سنجش متغیرها انتخاب شده است. در اینجا علاوه بر تکنیک‌های معمول، برای آزمون مدل از Amos هم استفاده به عمل آمده است. قبل از اینکه متغیرها وارد مدل معادلات ساختاری شوند، باید از روابط معناداری بین متغیرها اطمینان پیدا کرد. بر این اساس در جدول ذیل این روابط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جدول ۴ همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، رابطه متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معنادار است.

جدول ۴: ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته

شکاف نسلی	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی	سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	
۰/۸۳۴**	-۰/۵۷۰**	-۰/۴۳۳**	۰/۵۴۵**	۰/۷۵۲**	۱	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۸۰۳**	-۰/۵۸۲**	-۰/۴۸۰**	۰/۵۳۹**	۱	۰/۷۵۲**	سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۶۳۳**	-۰/۵۴۱**	-۰/۴۶۰**	۱	۰/۵۳۹**	۰/۵۴۵**	میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی
-۰/۵۴۴**	۰/۵۲۰**	۱	-۰/۴۶۰**	-۰/۴۸۰**	-۰/۴۳۳**	سرمایه فرهنگی
-۰/۷۰۱**	۱	۰/۵۲۰**	-۰/۵۴۱**	-۰/۵۸۲**	-۰/۵۷۰**	سرمایه اجتماعی
۱	-۰/۷۰۱**	-۰/۵۴۴**	۰/۶۳۳**	۰/۸۰۳**	۰/۸۳۴**	شکاف نسلی

*** $p < 0.001$ ** $p < 0.01$

در زیر مدل مفهومی پژوهش دربرگیرنده مدل ساختاری است. گام اول در انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری ترسیم گرافیک مدل در نرم‌افزار می‌باشد. ترسیم مدل با استفاده از نرم‌افزار آموس انجام شده است.



شکل ۲: نتایج آزمون مدل مفهومی پژوهش همراه با ضرایب

بنا به مدل‌سازی معادلات ساختاری پرسش این است که آیا داده‌های تجربی گردآوری‌شده از مدل نظری حمایت می‌کنند یا خیر. برای همین در این روش، تعدادی شاخص به‌عنوان شاخص برازش معرفی می‌شوند که نشان‌دهنده میزان همخوانی مدل نظری و داده‌های تجربی هستند. (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). شاخص مربع کا $(CMIN/DF)$ به‌عنوان یکی از شاخص‌های برای قابل قبول بودن مدل است. ویتون و همکاران (۱۹۸۱)، از جمله محققانی هستند که استفاده از مقدار χ^2 - دو به‌نجار شده و نسبت آن به درجه آزادی را پیشنهاد نموده‌اند. این دو معتقدند که مقدار کوچکتر از ۵ برای این نسبت بیانگر نیکویی برازش مدل خواهد بود. به‌عبارت دیگر چنانچه مقدار این نسبت در بازه ۱ تا ۵ قرار گیرد، دال بر تناسب مدل فرضی با داده‌های مشاهده شده است. نگاهی سختگیرانه‌تر نیز مقدار قابل قبول برای این شاخص را در بازه ۱ تا ۲ معرفی نموده

است. با این حال توافقی کلی تر در ارتباط با این شاخص وجود دارد که مقدار این شاخص را در بازه ۱ تا ۳ قابل قبول معرفی می‌نماید (بایرن^۱، ۲۰۰۹: ۱۶). در این مدل شاخص مربع کا بر درجه آزادی ۲/۲۳ می‌باشد که در حد قابل قبول و مناسب قرار دارد. از جمله شاخص‌های دیگری که استفاده شده است، شاخص *GFI* است. شاخص نیکویی برازش *GFI* بیانگر اندازه‌گیری مقدار نسبی واریانس و کوواریانس است که به‌طور مشترک توضیح داده می‌شود. شاخص نیکویی برازش *AGFI* با شاخص *GFI* تنها این تفاوت را دارد که این شاخص میزان درجه آزادی را در یک مدل مشخص تعیین می‌کند. همچنین، فضایی را نشان می‌دهد که ایجادکننده یک تاوان (جریمه) برای گنجایش پارامترهای اضافی است. مولیک و همکارانش بیان کردند که این شاخص با مقدار بزرگتر از ۰/۹ می‌تواند بیانگر نیکویی برازش و یا تناسب مدل باشند (بایرن، ۲۰۰۹: ۷۸). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میزان این شاخص نیز بالاتر از ۰/۹ می‌باشد. در این مدل نیز *PCFI* و *PNFI* نیز بالای ۰/۵۰ هستند که برای تدوین مدل قابل قبول هستند. شاخص بعدی، شاخص برازش تطبیقی است؛ که هر چه عدد به یک نزدیک‌تر باشد مدل تأیید می‌شود و همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌فرمایید همه شاخص‌های برازش تطبیقی بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشند.

جدول ۵: شاخص‌های برازندگی

شاخص برازش مطلق	شاخص برازش تطبیقی			شاخص برازش مقتصد			
	<i>CFI</i>	<i>NFI</i>	<i>TLI</i>	<i>PCFI</i>	<i>PNFI</i>	<i>RMSEA</i>	<i>CMIN/DF</i>
۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۰۹	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۱۱	۱/۸۶

با توجه به برازش کلی مدل، نوبت به برازش جزئی می‌رسد. برای این منظور دسته‌ای دیگر از شاخص‌ها، تحت عنوان شاخص‌های برازش جزئی در مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور معناداری ضریب هر رابطه تعریف شده در مدل مورد توجه قرار می‌گیرد. در قسمت خروجی *Amos* بخش دیگری از خروجی‌ها به معناداری این روابط رگرسیونی می‌پردازد که به شرح زیر است. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، متغیر شبکه‌های اجتماعی مجازی هم بر سرمایه فرهنگی و هم بر سرمایه اجتماعی تأثیر

^۱ Byrne

معناداری دارد و این تأثیر به ترتیب برابر با ۰/۷۷۹- و ۰/۶۲۸- می‌باشد. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مستقیمی بر شکاف نسلی دارد و این تأثیر برابر با ۱/۰۲ می‌باشد. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر غیر مستقیمی از طریق سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر شکاف نسلی دارد و این تأثیر غیر مستقیم برابر با ۰/۰۵۹ می‌باشد. همچنین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی هم تأثیر مستقیمی بر شکاف نسلی دارند و ضرایب این تأثیر به ترتیب عبارتند از ۰/۰۲۲ و ۰/۰۹۳. همچنین همان‌گونه که در جدول ذیل مشاهده می‌شود هم متغیر شبکه اجتماعی مجازی و هم سرمایه فرهنگی و اجتماعی به صورت غیر مستقیم بر ابعاد شکاف نسلی تأثیر غیر مستقیم دارند.

جدول ۶: ضرایب مدل مسیر

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	سطح معناداری
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> سرمایه فرهنگی	-۰/۷۷۹	-	-۰/۷۷۹	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> سرمایه اجتماعی	-۰/۶۲۸	-	-۰/۶۲۸	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> شکاف نسلی	۱/۰۲	۰/۰۵۹	۱/۰۸۲	۰/۰۰۰
شبکه اجتماعی مجازی --> بعد تجسم یافته	-	-۰/۵۶۱	-۰/۵۶۱	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد عینی	-	-۰/۵۰۶	-۰/۵۰۶	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد نهادینه شدن	-	-۰/۴۷۶	-۰/۴۷۶	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد درون گروهی	-	-۰/۶۸۰	-۰/۶۸۰	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد برون گروهی	-	-۰/۶۴۰	-۰/۶۴۰	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد رفتاری	-	۰/۸۳۱	۰/۸۳۱	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد ارتباطی	-	۰/۷۳۴	۰/۷۳۴	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی مجازی --> بعد ارزشی	-	۰/۸۲۵	۰/۸۲۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی --> شکاف نسلی	-۰/۰۲۲		-۰/۰۲۲	۰/۰۴۱
سرمایه فرهنگی --> بعد رفتاری		-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۷	۰/۰۴۵
سرمایه فرهنگی --> بعد ارتباطی		-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۵	۰/۰۴۷
سرمایه فرهنگی --> بعد ارزشی		-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۷	۰/۰۴۵
سرمایه اجتماعی --> شکاف نسلی	-۰/۰۹۳		-۰/۰۹۳	۰/۰۳۶
سرمایه اجتماعی --> بعد رفتاری		-۰/۰۹۸	-۰/۰۹۸	۰/۰۳۵
سرمایه اجتماعی --> بعد ارتباطی		-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۸	۰/۰۴۲
سرمایه اجتماعی --> بعد ارزشی		-۰/۱۰۳	-۰/۱۰۳	۰/۰۳۱

نتیجه‌گیری

شکاف نسلی پدیده‌ای جهانی است و طرح مسئله شکاف نسلی نشان‌دهنده اهمیت و ارزش نهاد خانواده است که در این زمینه هم انسجام و هم کشمکش وجود دارد. این موضوع نشان از تحولات ارزشی و تغییرات اجتماعی سطح کلان جامعه است که همسو با تغییرات و تحولات دنیا در حال حرکت است. پس می‌توان گفت که شکاف نسلی پدیده‌ای جهانی است که جامعه را به سوی دگرگونی و تحول می‌برد. بر این اساس در این پژوهش سعی شده بود به همین موضوع مهم پرداخته شود و به تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر شکاف نسلی پرداخته شده است.

در تحلیل دو متغیره، متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری با شکاف نسلی داشتند. دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار منفی و بقیه متغیرها رابطه معنادار مثبت داشتند. همچنین متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباط معنادار منفی با سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی داشتند. در مدل معادلات ساختاری که تأثیر متغیرها را مورد سنجش قرار می‌دهد هم این تأثیرات معنادار بودند.

در پژوهش حاضر شبکه‌های اجتماعی مجازی با شکاف نسلی بیشترین رابطه را دارد به گونه‌ای که، بیشترین تأثیر را در شکاف نسلی داشته است؛ به این معنی که هر چقدر استفاده و سابقه و میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد به همان اندازه بر میزان شکاف نسلی افزوده شده است. در مدل معادلات ساختاری هم مشخص گردید که شبکه‌های اجتماعی مجازی هم تأثیر معناداری بر شکاف نسلی دارند و هم تأثیر غیرمستقیمی از طریق سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر شکاف نسلی دارند. این مطابق با نظریه اینگلهارت است که گسترش رسانه‌های جمعی به تغییر ارزش‌ها منجر شده است به طوری که در عصر کنونی، جهانی‌شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های انسانی اثر گذاشته است. لباس‌های یک شکل جوانان و موسیقی‌های جدید از نمونه‌های تأثیر استفاده رسانه در تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و پایبند نبودن آن‌ها به

سنت‌های فرهنگی است. همچنین، می‌توان گفت که رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهم‌تر اینکه در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، و به‌ویژه اینترنت، فضای ارتباطات و اثرگذاری آن‌ها بسیار افزایش یافته است. به‌طوری که ما همان‌گونه تحت تأثیر این رسانه‌های نوین هستیم، به‌عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آن‌ها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات جعفرزاده‌پور (۱۳۹۶)، کفاشی (۱۳۹۴)، حیدرآبادی و همکاران (۱۳۹۴)، شیرین‌بیان و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی و احیایی (۱۳۹۲)، محمدپور و آزادی‌نژاد (۱۳۹۲)، هالپیرین و درور (۲۰۱۶)، کلارک (۲۰۱۱) و اسمیت و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی رابطه معنادار منفی وجود دارد. یعنی اینکه در صورت افزایش میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان، میزان شکاف نسلی کاهش پیدا کرده است. این نتایج در راستای نظریه پیر بوردیو می‌باشد. بوردیو ویژگی‌های طبقات اجتماعی را در خصوص تملک سرمایه (سرمایه فرهنگی و اقتصادی) به صورت نظری و تجربی بررسی می‌کند. از نظر او جایگاه کنشگران اجتماعی در فضای طبقاتی به حجم و ساخت سرمایه آن‌ها بستگی دارد. از نظر او، سرمایه وسیله‌ای برای تشخیص و تمایز است. در این میان برای سرمایه فرهنگی اهمیت زیادی قائل است. همبستگی معنادار بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی نظر وی را تأیید می‌کند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی برقرار است؛ این بدین معنی که هر چقدر سرمایه فرهنگی در جامعه بالا باشد میزان شکاف نسلی بالاتر است و سرمایه فرهنگی پایین‌تر به میزان‌های پایین شکاف نسلی در میان پاسخگویان منجر خواهد شد. نتایج تحقیق حاضر هم‌راستا با نتایج تحقیق احمدی و احیایی (۱۳۹۲)، می‌باشد.

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر، رابطه بین سرمایه اجتماعی پاسخگویان و شکاف نسلی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد. در مدل معادلات ساختاری هم مشخص گردید که سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری بر شکاف نسلی دارد. این تأثیر نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیر معنادار منفی بر شکاف نسلی دارد؛ یعنی اینکه با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان، شکاف نسلی کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر هر چه میزان اعتماد، حمایت و شبکه اجتماعی بین والدین و فرزندان پایین‌تر و میزان همبستگی بین دو نسل ضعیف‌تر و با مشارکت اجتماعی بین دو نسل کاهش پیدا می‌کند. نتیجه این امر باعث واگرایی گرایش به ارزش‌های مادی و غیر مادی بین فرزندان و والدین را عمیق‌تر خواهد نمود. نتایج پژوهش حاضر، با نتایج تحقیقات حیدرآبادی و همکاران (۱۳۹۴) و شیرین‌بیان و همکاران (۱۳۹۴) هم‌راستا می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد مدیریت زمان استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی در بین اعضای خانواده‌ها صورت گیرد و در این زمینه نظارت و کنترل‌های لازم صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد از طریق آموزش فرهنگ صحیح استفاده از امکانات جدید به فرزندان و از سوی دیگر والدین و ایجاد تعامل و تفاهم متقابل در زمان استفاده از این شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط اعضای خانواده‌ها صورت گیرد. یکی دیگر از پیشنهادها در این زمینه اختصاص دادن زمانی برای گفتگوهای دوره‌ای درباره مسائل مختلف در ساعات مشخصی از روز توسط اعضای خانواده به دور از شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا آموزش‌های لازم صورت گیرد تا اعضای خانواده‌ها اعم از والدین و فرزندان از فضای مجازی برای تعامل با شبکه خویشاوندان و تشکیل گروه‌های خانوادگی ایمن و تشویق فرزندان برای حضور در این گروه‌ها استفاده کنند و این به نوبه خود به‌عنوان مقدمه‌ای برای گسترش ارتباطات صمیمانه با سایر بستگان در فضای واقعی خواهد شد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که والدین از استراتژی‌های نظارتی مطلوبی در رابطه با شبکه‌های اجتماعی مجازی به کار گیرند تا فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی مجازی با مخاطرات کمتری روبرو شوند. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی مجازی از اهمیتی زیادی برخوردار

هستند و از سوی دیگر باعث افزایش شکاف نسلی می‌شوند، پیشنهاد می‌گردد که در این زمینه سیاست‌گذاری‌های مطلوبی هم در مورد فرزندان و هم در مورد والدین طرح گردد و آموزش‌های لازم در این زمینه به هر دو گروه داده شود. فرایند جامعه‌پذیری دو گروه سنی با توجه به تحولاتی که اتفاق افتاده است، تغییرات اساسی صورت گرفته است، لذا در این زمینه پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های متولی و رسانه‌های جمعی و همچنین نهادهای آموزشی در این زمینه تأمل نمایند و با توجه به این تغییرات، محتوای و برنامه‌های مطلوبی ارائه دهند تا در فرایند اجتماعی این گروه سنی، بحران و تعارضی به وجود نیاید که این بحران و تعارض، مرحله اولیه و مقدماتی به وجود آمدن شکاف نسلی بین فرزندان و والدینشان محسوب می‌گردد.

فهرست منابع:

- ابارشی، احمد و حسینی، یعقوب (۱۳۹۱). مدل‌سازی معادلات ساختاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- احمدی، آرمان و احیایی، پویان (۱۳۹۲). "بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب"، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴.
- اینگه‌ه‌ارت، رونالد (۱۳۹۵). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- باینگانی، بمن و کاظمی، علی (۱۳۸۹). "بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی"، فصلنامه برگ فرهنگ، شماره ۲۱.
- ۵ تاجبخش، کیان (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه: تهران: نشر پژوهش شیرازه.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵). "شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۹۶). "رسانه، ابزاری برای دسته‌بندی نسل‌ها در ایران"، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره هشتم، شماره ۲.
- حسینی، سید امیرحسین؛ علمی، زهرا و شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). "رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور"، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۲۶.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ رمضان‌پور، امین؛ مجتبی‌وی، سمیه و فیروزمند، مجید (۱۳۹۴). "بررسی پدیده شکاف نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین والدین و دانشجویان مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل"، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و عبداللهی، عظمیه (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران"، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳.

رحیمی، محمد (۱۳۹۰). "عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال)"، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال اول. شماره سوم.
 ۱۲. شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی: مفهوم سازی، سنجش دلالت‌های سیاستگذاری. مازندران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
 شارع پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱). "رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران"، نامه علوم اجتماعی، دوره دهم، شماره ۲۰، صص.

شیرین بیان، اعظم، فتحی، سزوش و پیراهری، نئیر (۱۳۹۴). "شکاف نسلی در ایران: مورد مطالعه خانواده شهرهای گرمسار"، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۲۵.

صبوری خسروشاهی، حبیب و توکلی نیا، نفیسه (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی"، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال هفتم، شماره ۱۹.
 علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود و ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری"، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۲۱.
 فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کفاشی، مجید (۱۳۹۴). "عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران"، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره ۱.
 محمدپور، سارا و آزادی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین تهرانی"، مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم، شماره ۲۲.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳). "شکاف نسلی یا گسست فرهنگی"، نامه علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۴.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

Anderson, C. (2007). *The long tail: How endless choice is creating unlimited demand*. Random House.

Bourdieu, P. (1984). *Distinction: a social critique on The judgement of tastes*, Routledge, London.

Byrne, Barbara M. (2009). *Structural equation modeling with AMOS: basic concepts, applications, and programming*, Routledge; Taylor & Francis Group.

Clark, L. S. (2009). "Digital Media and the Generation Gap", *Information, Communication & Society*, 12:3, 388-407.

Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: definition history, and scholarship", *Journal of computer-mediated Communication*, 13(1), 210-230.

Eslovin, J. (2001). *Internet and Society*, Tehran, Ketabdar.

Falk, G., & Falk, U. A. (2005). *Youth culture and the generation gap*. Algora Publishing.

Halperin, R., & Dror, Y. (2016). "Information privacy and the digital generation gap: An exploratory study," *Journal of Information Privacy and Security*, 12(4), 166-180.

Massari, L. (2010). "Analysis of MySpace user profiles", *Information Systems Frontiers*, 12(4), 361-367.

Nielsen, D. S., Minet, L., Zeraig, L., Rasmussen, D. N., & Sodemann, M. (2017). "Caught in a Generation Gap": A Generation Perspective on Refugees Getting Old in Denmark-A Qualitative Study," *Journal of Transcultural Nursing*, 1043659617718064.

Park, S., & Park, S. (2017). Exploring the generation gap in the workplace in South Korea. *Human Resource Development International*, 1-8.

Patil, S. K. (2014). "A sociological perspective of generation gap", *International Journal of Innovative Research and Development*.

Pempek, T. A., Yermolayeva, Y. A., & Calvert, S. L. (2009). "College students' social networking experiences on Facebook", *Journal of applied developmental psychology*, 30(3), 227-238.

Smith, H., Rogers, Y., & Brady, M. (2010). "The Generation Gap: (Managing Technology-mediated Personal Social Networks)", *Chimera, Institute for Sociotechnical Innovation and Research*, No. 2, September.

Turner, H. J. (1998). *The formation of social capital. A multifaceted perspective*. Ed parthaDasgupta and ismail serageldin, the world Bank, Washington, D. C.

Weininger, E. B., & Annette, L. (2007). "Cultural capital. In G. Ritzer (Ed.), *Encyclopedia of sociology* (pp. 887-891). Oxford, England: Blackwell.

A Sociological Study on the Effect of Virtual Social Networks on Generation Gap: a Case Study of Shiraz University Students

Esrafil Javidi¹, Habib Ahmadi (Ph.D)², Mahrokh Rajabi (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2022.30428.1998

Abstract:

The generational gap means the existence of differences in the knowledge, attitudes and behavior between the two generations of youth and adults, especially in the aspect of identity; it affects every society in a broader way in the social and cultural structures. In a way that identity, sense of belonging to the culture, value and culture of the native in generations, which provides the social solidarity of a society, causes difference, cultural conflict and identity. The research was carried out using a survey method using a questionnaire technique. All students who studied at Shiraz University in undergraduate and higher education in the first half of the academic year 2018-2019 in Shiraz have formed the statistical population of this study. Sampling in the present study is based on stratified sampling. The sample size was 386 people based on Cochran formula. The findings of the research show that there is a significant positive relationship between the variables of the use of virtual social networks, the history of using virtual social networks and the level of satisfaction with virtual social networks with the generation gap. The results of structural equations show that the variables of virtual social networks, cultural capital and social capital have a significant effect on the generation gap, and the magnitude of this effect is 1.02, -0.022 and -0.0923.

Key Concepts: *Generation Gap, Cyberspace, Social Capital, Cultural Capital*

¹ PhD student in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), javid1349@yahoo.com

² Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, hahmadi@rose.ac.ir

³ Assistant Professor of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, mrajabi79@gmail.com

